

روند فراگیر شدن هویت انقلاب اسلامی ایران در مسیر پیروزی

از منظر پژوهش‌های تاریخ محلی

ایمان حسین قزل‌ایاق^۱ / محمدباقر خرمشاد^۲ / ابراهیم برزگر^۳ / غلامرضا خواجه‌سروی^۴

چکیده

با وجود چندمتغیره‌بودن انقلاب به عنوان ابرپدیده اجتماعی و سیاسی، آنچه نقطه مرکزی محسوب می‌شود، چگونگی شکل‌گیری و گسترش هویت انقلاب است. چنان‌که ماهیت اسلامی انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران نیز محصول روند هویت‌بخشی بر مبنای اسلام سیاسی به رهبری امام خمینی بوده است. در این مقاله تلاش می‌شود تجربه گسترش هویت انقلاب اسلامی در استان‌های مختلف، مورد واکاوی قرار گیرد. روش مورد استفاده در این مقاله از نوع کیفی با راهبرد فراترکیب خواهد بود. مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که شکل‌گیری و گسترش هویت اسلامی در انقلاب ۱۳۵۷ ایران در شهرهای مختلف، چگونه صورت گرفته است؟ یافته این پژوهش نشان می‌دهد به دنبال ترسیم هویتی فراگیر در قالب اسلام سیاسی برای جنبش انقلابی توسط امام خمینی، به تدریج سایر کنشگران متأثر از اندیشه‌ها و گرایش‌های فکری مختلف و عموم مردم در پهنه جغرافیای ایران، جهت‌گیری کنشگری انقلابی خود را با تأسی از هویت اسلام سیاسی پیش برده‌اند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، هویت انقلاب، اسلام سیاسی، تاریخ محلی، فراترکیب.

۱. دکتری علوم سیاسی، (گرایش مسائل ایران)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Iman_ghe@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mb.khorramshad@gmail.com

۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

barzegar.2010@yahoo.com

۴. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

sarvireza1968@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ نوع مقاله: پژوهشی

The process of spreading the identity of the Islamic Revolution of Iran on the path to victory from the perspective of local history researches

Iman Hossein Ghezelayagh^۱/ MohhamadBagher Khorramshad^۲/
Ebrahim Barzegar^۳/ Gholamreza Khajesarvi^۴

Abstract

Despite the multivariate nature of the revolution as a social and political phenomenon, what is considered the central point is how the identity of the revolution was formed and expanded. For example, the Islamic nature of the Iranian Revolution of 1979 was also the product of the process of identity formation based on political Islam led by Imam Khomeini (RA).

This article attempts to analyze the experience of expanding the identity of the Islamic Revolution in different provinces. The method used in this article will be qualitative with a meta-synthesis strategy. The article seeks to answer the question of how the formation and expansion of Islamic identity in the Iranian Revolution of 1979 took place in different cities? The findings of this research show that following the drawing of a broad identity in the form of political Islam for the revolutionary movement by Imam Khomeini, gradually other activists influenced by different ideas and intellectual tendencies and the general public in the geographical area of Iran have advanced the orientation of their revolutionary activism based on the identity of political Islam.

Keywords: Islamic Revolution of Iran, Revolutionary Identity, Political Islam, Local History, Metasynthesis.

^۱ . PhD, Political Science (in Iran Issues), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

^۲ . Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

^۳ . Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

^۴ . Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

مقدمه

انقلاب در معنای مدرن آن از یک یا چند جنبش اجتماعی آغاز شده و در یک فرایند پیچیده و پیش‌رونده به جنبش انقلابی و سپس به رویداد انقلاب می‌انجامد. درواقع کنشگری‌های افراد در موقعیت‌های مختلف در قالب یک کنش جمعی منجر به انقلاب می‌شود. خواسته‌ها، اولویت‌ها و غایات فردی، جمعی و منسجم افراد با ماهیت‌ها و زمینه‌های مختلف، هدف و چشم‌انداز یک انقلاب را ترسیم می‌کند. با وجود این، مهم‌ترین پیش‌زمینه تبدیل جنبش‌های اعتراضی پراکنده و غیرهدفمند به انقلاب فراگیر، شکل‌گیری یک هویت مشخص به‌منظور جذب افراد در مسیر انقلاب خواهد بود. به‌عنوان نمونه از دیدگاه دیتر آپ هویت دارای تأثیری مثبت بر کنش جمعی و به‌ویژه بر رفتار اعتراضی است که هم در بُعد فردی و هم جمعی صدق می‌کند. یعنی هرچه هویت جمعی افراد / یک گروه، قوی‌تر باشد، احتمال دست‌زدن آنان / گروه به رفتار اعتراضی / اعتراض جمعی بیشتر است (دیتر آپ، ۱۳۹۵: ۳۴۴-۳۴۳). از این رو شناخت هویت یک انقلاب می‌تواند به شناخت دیگر متغیرهای مرتبط با آن کمک شایانی نماید. با وجود چندمتغیره‌بودن انقلاب به‌عنوان ابرپدیده اجتماعی، آنچه نقطه مرکزی محسوب می‌شود، چگونگی شکل‌گیری و گسترش هویت انقلاب است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران محصول یک روند تاریخی منتج از پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده است. بررسی چگونگی شکل‌گیری و گسترش هویت انقلاب اسلامی در پهنه جغرافیایی ایران از راه‌های مختلفی انجام‌شدنی است که در این مقاله با بررسی تجربه انقلاب اسلامی در استان‌های مختلف انجام خواهد شد. روش مورد استفاده در این مقاله از نوع کیفی با راهبرد فراترکیب است. با نگاه فوق، این مقاله در پی آن

روند فراگیر شدن هویت انقلاب اسلامی ایران در مسیر پیروزی از منظر پژوهش‌های تاریخ محلی..... ۱۳

است که به بازخوانی روند و مسیر گسترش هویت انقلابی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی پردازد و از این منظر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال خواهد بود که در انقلاب ۱۳۵۷ ایران، شکل‌گیری و گسترش هویت انقلابی در شهرهای مختلف بر پایهٔ اسلام سیاسی، چگونه صورت گرفته است؟

۱- مفاهیم پژوهش

جنبش‌های اجتماعی

از مفهوم جنبش اجتماعی^۱ تعاریف مختلفی ارائه شده است. از جمله از دیدگاه آلن تورن، جنبش‌های اجتماعی نه حادثه‌اند و نه عناصری از تغییر بلکه کنش جمعی کنشگرانی در عالی‌ترین سطح هستند که بر سر کنترل اجتماعی تاریخمندی (کنترل جهت‌گیری‌های فرهنگی عمده که روابط محیطی یک جامعه را به‌صورتی هنجارمند ساماندهی می‌کند) به نبرد می‌پردازند (تورن، ۱۴۰۱: ۶۰). جنبش اجتماعی نیز همانند رأی‌دادن، صورتی از مشارکت سیاسی محسوب می‌شود. حوزه‌های کنشی جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان کنش‌هایی فرانهادی، غالباً فعالیت‌های مدرنی مانند راهپیمایی، تحصن، کنش‌های اعتراضی، پیاده‌روی، اعتصاب‌ها، بست‌نشستن‌ها، ایجاد راهبندان‌ها، اشغال اماکن و... به‌عنوان صورت‌های کنش جمعی کم‌وبیش تعارض‌آمیزی برای بیان مطالبات اجتماعی هستند که زندگی سیاسی را خارج از انقضای دوره‌های انتخاباتی به چالش می‌کشند (دورماگن موشار، ۱۳۹۷: ۲۵۳) (جانستون، ۱۳۹۸: ۴۹).

جنبش انقلابی

^۱. Social movement

فرایند جنبش انقلابی^۱ به زمان شروع حرکت جمعی انقلابی تا اوج آن یعنی سرنگونی رژیم حاکم و به قدرت رسیدن انقلابیون مربوط می‌شود. در واقع جنبش انقلابی برای براندازی نظام فعالیت می‌کند، ولی انقلاب رژیم حاکم را سرنگون می‌سازد. اگر جنبش انقلابی موفق به ساقط کردن رژیم حاکم شود آن را انقلاب موفق و در غیر این صورت آن را انقلاب ناموفق به حساب می‌آورند (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۵، ۴۱).

هویت انقلاب

هویت یک جزء ضروری عمل جمعی است که کارویژه‌های یکی‌سازی بازیگران درگیر در منازعه، به کار انداختن روابط اعتمادزا میان آنها و برقراری پیوند میان وقایع دوره‌های متفاوت را انجام می‌دهد (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). یک جنبش اجتماعی به مجموعه مشترکی از اعتقادات و یک احساس تعلق نیاز دارد. در جنبش‌های اجتماعی فرایند بازتعریف سمبلیک امر واقعی و امر ممکن، به ظهور هویت‌های جمعی به مثابه تعریف مشترکی از یک بازیگر جمعی منجر می‌گردد. همچنین یکی از مهم‌ترین کارکردهای هویت‌های جمعی در مواقع فروکش کردن فعالیت‌های عمومی نظیر تظاهرات و بیانیه‌ها و... فراهم نمودن امکان تداوم جنبش در طی زمان است (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴: ۳۱). هویت جمعی فرایند برساختگی اجتماعی را در دو سطح یعنی به لحاظ درونی در میان اعضای جنبش و به لحاظ بیرونی و در میان مخالفان، سیاستمداران، طرفداران بالقوه و مردم تماشاچی انجام می‌دهد (جانستون، ۱۳۹۸: ۱۳۴). این مفهوم در معنای کلی، نوعاً در تعامل با دیگران ساخته می‌شود و شیوه‌هایی است که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند (جنکینز، ۱۳۹۴: ۷، ۴۱). از نگاه گروهی از پژوهشگران انقلاب، چندین کارکرد برای هویت جمعی در فرایند جنبش‌های اجتماعی

^۱. Revolutionary movement

برشمرده شده است. از جمله تحول نقش از منفعل به فعال، برای افرادی به‌عنوان یک عامل و کارگزار وارد جنبش می‌شوند از طریق تعریف هویت‌های جدید حاصل می‌شود (نش و اسکات، ۱۳۹۴: ۲۹۴). وجود سطح بالایی از انسجام درونی و یک هویت مشخص، موجب تسهیل عمل جمعی از سوی گروه‌های اجتماعی می‌شود (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۲) و یکی از مشوق‌های همبستگی درونی در جنبش‌ها تلقی شده است (جانستون، ۱۳۹۸: ۴۳). در مجموع می‌توان چهار کارکرد برای هویت جمعی در جنبش‌های انقلابی از جمله ۱- ایجاد زمینه‌های گرایش اولیه افراد به جنبش، ۲- تقویت انگیزه‌ها برای استمرار حضور در جنبش، ۳- ایجاد بسترهای مؤثر برای سازماندهی افراد خارج از جنبش و ۴- تسهیل عمل جمعی کنشگران انقلابی، برشمرد.

۲- روش پژوهش

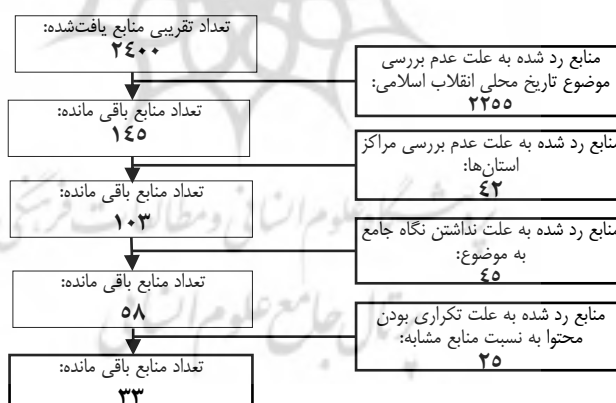
یکی از روش‌های کیفی که خصوصاً در مطالعات تاریخی و سیاسی کمتر مورد استفاده قرار گرفته، روش فراترکیب^۱ یا متاستنز است. فراترکیب عبارت است از یکی کردن گروهی از مطالعات کیفی به منظور کشف نکات اساسی و ترجمه آنها به یک محصول نهایی. این محصول نهایی نتایج مطالعات اولیه را به‌صورت یک مفهوم جدید بیان می‌کند (فینفگلد کانت، ۱۳۹۹). متاستنرها ادغام‌هایی هستند که بیشتر از مجموع بخش‌ها هستند، زیرا تفاسیر جدیدی از یافته‌ها ارائه می‌دهند که نتیجه دگرگونی‌های تفسیری بسیار دور از این یافته‌ها است که در گزارش‌های تحقیقاتی ارائه شده است. اگرچه به یافته‌های هر گزارش وفادار است، اما این تفاسیر در هیچ‌یک از گزارش‌های پژوهشی یافت نمی‌شوند، بلکه شامل یکپارچگی است که از گرفتن همه گزارش‌ها در یک نمونه به‌عنوان یک کل

به دست می آید. متاسترها به جای نمایش خلاصه‌ای از ویژگی‌های نامرتبط آن رویداد یا تجربه، توصیف یا توضیحی کاملاً یکپارچه از یک رویداد یا تجربه هدف ارائه می‌دهند (Sandelowski & Barroso, 2007, 18). در این روش تلاش می‌شود با ترکیب یافته‌های مرتبط با موضوع مورد پژوهش، نظریه و یا نگاهی منسجم از درون آن کشف گردد. اعتبار متاسترهای کیفی، در منطق تکرار نیست، بلکه در منطق تفسیری که در آن یافته‌ها دوباره چارچوب‌بندی می‌شوند و در مهارت به‌نمایش گذاشته‌شده در محصول نهایی است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که نتایج و یافته‌ها مطالعات مختلف ولی به هم مرتبط کیفی را با یکدیگر تلفیق و یکپارچه‌سازی می‌کند. به همین دلیل فراترکیب، ترکیب تفسیر تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعات منتخب است. در این روش تلاش می‌شود موضوعات چندوجهی و چندساحتی که در مورد آن ادبیات علمی زیادی تولید شده است، در یک چهارچوب علمی منظم، نظام‌مند و منسجم و بازتعریف شود (فینفگلد کانت، ۱۳۹۹).

نظریه‌پردازان به الگوهای مختلفی از روش فراترکیب اشاره کرده‌اند که در این مقاله از گام‌های مرحله‌ای «ساندلوفسکی و باروسو»، استفاده شده است. گام نخست: تنظیم سؤال‌های پژوهش؛ گام دوم: بررسی نظام‌مند متون؛ گام سوم: جست‌وجو و بررسی مقاله‌های مرتبط؛ گام چهارم: استخراج اطلاعات مقالات؛ گام پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی؛ گام ششم: ارائه یافته نهایی پژوهش.

در گام اول، سؤالات فرعی پژوهش طبق تکنیک طراحی سؤال در فراترکیب (چرا، چگونه، چطور، کجا، چه وقت)، طراحی خواهند شد که طی آن چگونگی سیر شکل‌گیری هویت انقلاب اسلامی و گسترش آن در شهرهای مختلف طی پنج مقطع (۱- ابتدای دهه ۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ ۲- از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پایان دهه ۳۰؛ ۳- ابتدای دهه ۴۰ تا پایان سال ۱۳۴۳؛ ۴- ابتدای سال ۱۳۴۴ تا پایان دهه ۱۳۴۰؛ ۵- ابتدای دهه ۵۰ تا

پایان سال ۱۳۵۵) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در گام دوم از بین کلیه منابع و آثار منتشرشده در حوزه انقلاب اسلامی بالغ بر ۲۴۰۰ منبع شامل کتاب، مقاله و پایان‌نامه، مرتبط با موضوع تاریخ ناحیه‌ای انقلاب اسلامی، در پایگاه‌های داده‌ای «ایران‌داک»، «کتابخانه ملی ایران»، «نورمگز»، «SID» و «Google» از طریق جست‌وجوی کلیدواژه‌هایی چون: «انقلاب اسلامی»، «انقلاب اسلامی در...»، «تاریخ محلی»، «تاریخ منطقه‌ای»، تعداد ۱۴۵ منبع یافت شدند. در گام سوم منابع انتخاب‌شده بر اساس برخی شاخص‌ها نظیر: رویکرد محلی داشتن، بررسی مراکز استان‌ها، نگاه جامع داشتن به موضوع، تکراری بودن محتوا، مورد پالایش قرار گرفته و درنهایت نزدیک‌ترین آثار به لحاظ محتوایی با موضوع پژوهش انتخاب شدند. در این مرحله از بین ۱۴۵ منبع پالایش‌شده، منابعی که محتوای آنها دارای بیشترین ظرفیت پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش بودند، انتخاب شدند. در این مرحله تلاش شده تا مشخص شود آیا منابع یافت‌شده متناسب با سؤال پژوهش هستند یا خیر.



شکل ۱- نمودار مراحل پالایش منابع در گام سوم فراترکیب

در گام چهارم با محوریت پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، یافته‌های منابع پالایش‌شده، مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا از درون عبارات و یا معنای پنهان متون، پاسخ سؤال استخراج

شوند. در گام پنجم با استفاده از فنون کدگذاری مرسوم در روش‌های کیفی، عبارات و گزاره‌های انتخاب‌شده، کدگذاری و مقوله‌بندی شده‌اند تا از درون مقولات جزئی به مقولات کلی و از مقولات کلی به مقولات کلی‌تر تا درنهایت به چند مقوله اصلی به عنوان فرضیه اصلی پژوهش برسیم.

۳ - یافته‌های پژوهش

در اولین مرحله از کدگذاری، ابتدا در پاسخ به پرسش‌های فرعی پژوهش پس از استخراج گزاره‌های مصداقی با تفکیک مقاطع پنج‌گانه در شهرهای مختلف، سپس از تلفیق چند گزاره مصداقی به کدهای محوری می‌رسیم. کلیه یافته‌ها از منابع در قالب جداول «کدهای محوری» تلخیص شده‌اند. کدهای محوری، از طریق بازخوانی و فهم یافته‌های ضمنی و مستتر در داخل متون پژوهش‌های ناحیه‌ای برحسب موضوع و مقاطع پنج‌گانه ذکرشده، استخراج شده‌اند. البته در این مقاله جداول مربوط به مجموعه گزاره‌های مصداقی استخراج شده یا همان کدهای محوری، به دلیل کثرت جداول، حذف شده و فقط به جداول مربوط به دسته‌بندی کدها و مقولات نهایی در قالب جدول شماره (۱) بسنده شده است.

ابتدای دهه ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

مقولات نهایی	مقولات ۲	مقولات ۱	دسته‌بندی کدها
تلاش‌ها برای تقویت آموزه‌های	تلاش حزب توده با حمایت شوروی	تلاش حزب توده برای جذب اقشار اجتماعی و گسترش کمونیسم در ایران با حمایت شوروی	(کرج-۲) (مشهد-۳) (مازندران-۳) (کرمانشاه-۳) (گرگان-۷)

اسلامی در سطوح مختلف جامعه در مقابله با سیاست‌ها و اندیشه‌های ضد دینی	برای گسترش کمونیسم در ایران		(مازندران-۷)
		تشکیل حزب دموکرات در غرب کشور و اعتراضات مردم	(کردستان-۴) (ارومیه-۳)
		تلاش‌های دولتی برای تضعیف حزب توده	(گرگان-۴) (مازندران-) (۸) (مازندران-۶)
	نارضایتی عمومی از ناامنی، تورم و قحطی ناشی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و ناتوانی دولت در مهار آن	اقدامات متحد اقشار مختلف و احزاب علیه نفوذ کمونیسم و امتیاز به بیگانگان	(گیلان-۲) (اردبیل-) (۲) (ارومیه-۲) (مازندران-۵) (مازندران-۴)
		شکل‌گیری اعتراضات بر ضد دخالت بیگانگان در برخی امور داخلی	(یزد-۲) (کردستان-۳)
		نارضایتی مردم در واکنش به اثرات منفی دخالت‌های بیگانگان، ایجاد ناامنی، قحطی و گرانی پس از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم	(زنجان-۱) (همدان-۲) (بجنورد-۱) (گیلان-) (۱) (کرج-۱) (اردبیل-) (۱) (مشهد-۱) (کرمانشاه-۱) (شهرری-۱) (ارومیه)

		(لرستان-۱) (گرگان- (۱) (مرکزی-۱) (مازندران-۱)
	نارضایتی مردم از دخالت خوانین و طوایف در مقتضیات محلی هم‌زمان با ضعف دولت	(زنجان-۴) (بجنورد- (۵) (اردبیل-۴) (لرستان-۲) (یاسوج- (۱) (کردستان-۱) (همدان-۴)
فعالیت‌های تربیتی روحانیون و کنشگران اجتماعی در برابر سیاست	تلاش غیرمنسجم روحانیون پس از دوران رضاشاه با هدف مقابله با مظاهر دین‌گریزی و نفوذ کمونیسم و بهائیت	(زنجان-۲) (همدان-۷) (بجنورد-۴) (کرمان- (۴) (اردبیل-۵) (مشهد-۵) (کرمانشاه- (۴) (ایلام-۳) (شهرری-۲) (گرگان- (۵)
دینزدایی و وابستگی سیاسی دولت	تلاش روحانیت برای رونق فعالیت‌های مذهبی و ایجاد مؤسسات دینی و حوزه‌های علمیه برای جبران سیاست‌های	(کرمان-۲) (یزد-۲) (اردبیل) (مشهد-۶) (اصفهان-۶) (کرمانشاه-۵) (لرستان- (۷) (ایلام) (لرستان-۴)

روند فراگیر شدن هویت انقلاب اسلامی ایران در مسیر پیروزی از منظر پژوهش‌های تاریخ محلی..... ۲۱

		دین‌ستیزانه رضاشاه و ارتقاء دینی جامعه	(گرگان-۲) (همدان)
		حساسیت علما نسبت به برنامه‌های عمرانی وابسته پهلوی	(مشهد-۱۰)
		ناتوانی احزاب سیاسی دولتی و بی‌اعتمادی مردم به آنها	(همدان-۵) (بجنورد) (تبریز) (مشهد-۹) (یزد-۳) (ایلام-۲)

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پایان دهه ۱۳۳۰

مقولات نهایی	مقولات ۲	مقولات ۱	دسته‌بندی کدها
گسترش نارضایتی‌های اجتماعی و حضور روحانیت در عرصه اجتماعی به	اعتراض روحانیت و گروهی از دانشگاهیان	مخالفت علما و مردم با مظاهر بی‌بندوباری در جامعه	(همدان-۹) (مازندران-۱۶) (هرمزگان-۲) (مشهد-۲۰)
	نسبت به ادامه بی‌توجهی	مواجهه ارشادی روحانیون با دولت تحت تأثیر آیت‌الله بروجردی	(اصفهان) (لرستان- ۲۷)

عنوان پیش زمینه‌های ایجاد جنبش اجتماعی با ماهیت اسلام‌خواهی	دولت به	نارضایتی‌ها در مورد	(اردبیل-۱۰)
	معضلات	بی‌توجهی دولت به مسائل	
	اقتصادی و	دینی	
	فرهنگی و	تلاش جریان‌های	(اصفهان-۵) (مشهد-۱۹)
	دینی	فراماسوئری برای	
		گسترش فرهنگ غربی	
		برخی از مناطق و مبارزه	
		با نهاد دین	
ادامه تلاش‌ها برای تقویت آموزه‌های دینی	ادامه	ادامه تلاش‌های پراکنده	(شیراز-۵) (کرمان-۵)
	تلاش‌ها	مذهبیون علیه نفوذ	(گرگان-۱۲)
	برای	بهائیت	
	تقویت	تلاش برای گسترش	(مشهد-۲۱) (ایلام-۲)
	آموزه‌های	فعالیت‌های دینی پس از	(همدان-۱۲)
نارضایتی‌ها نسبت به اقتدارگرایی و ناکارآمدی	دینی	کودتای ۲۸ مرداد	
	نارضایتی‌ها	اعتراض علما نسبت به	(همدان-۱۳) (زنجان-۵)
	نسبت به	بی‌توجهی دولت به	
	اقتدارگرایی	مشکلات مردم	
و ناکارآمدی		گسترش نارضایتی‌های	(همدان-۱۱)
		اجتماعی و اقتصادی مردم	(گرگان-۱۱)

سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دولت	به دلیل فاصله گرفتن از مشروطه و فساد و سیاست ضددینی	(مازندران-۱۷) (کردستان-۷) (گرگان-۱۴) (لرستان-۲۱)
	ناتوانی احزاب دولتی برای نماینده‌گی خواسته‌های مردم به دلیل غیربومی بودن افراد و وابستگی آنها به شاه و آمریکا	(اردبیل-۹) (لرستان-) (۲۳) (قزوین-۲) (گرگان-۱۵) (مازندران-۲۵) (یاسوج-۷)
	بحران‌ها و معضلات در نواحی و عدم توانایی دولت در حل و فصل آنها	(یزد-۹) (لرستان-۱۸) (همدان-۱۴)
اصلاحات گسترده برای حل بحران‌های اقتصادی و اجتماعی تحت فشار آمریکا با هدف مقابله	محدود شدن فعالیت‌های مستقل سیاسی و دستگیری افراد پس از کودتای ۲۸ مرداد	(اهواز-۴) (کرمانشاه-) (۸) (ارومیه-۶) (لرستان-۱۶)
	کمک‌های اقتصادی آمریکا برای مقابله با نفوذ کمونیسم در قالب اصل ۴ ترومن	(بجنورد-۷) (کرج-۳) (مشهد-۱۷) (لرستان-) (۱۵)

	با نفوذ کمونیزم		
--	--------------------	--	--



ابتدای دهه ۱۳۴۰ تا پایان سال ۱۳۴۳

مقولات نهایی	مقولات ۲	مقولات ۱	دسته‌بندی کدها
سیاسی شدن و گسترش تدریجی جنبش اسلام‌خواهی	حضور منسجم روحانیت در عرصه اجتماعی	اعتراض امام به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی ولایتی و تحریم نوروز در اعتراض به اجرای انقلاب سفید	(قم-۴)
	پس از رحلت آیت‌الله	رحلت آیت‌الله بروجردی و تلاش علما برای آشنایی مردم با امام خمینی	(همدان-۱۷) (گیلان-) (۶) (شهرری-۷) (لرستان-۲۶)
	بروجردی و فعالیت‌های سیاسی امام در مخالفت	عدم شناخت کافی از امام در برخی مناطق پس از رحلت آیت‌اله بروجردی	(مشهد-۲۲) (اصفهان-) (۲) (ارومیه-۷)
	با تصویب قوانین غیراسلامی و واجد وابستگی	تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی یکی از عوامل ورود علما به عرصه علنی مخالفت سیاسی در دفاع از حاکمیت قوانین اسلام و جلوگیری از ادامه	(زنجان-۷) (شیراز-) (۱۰) (تبریز-۴) (کرمان-۶) (اردبیل-) (۱۲) (مشهد-۲۴) (کرمانشاه-۱۱) (شهرری-۹) (لرستان-)

خارجی	وابستگی سیاسی کشور	(۲۸) (قزوین-۴) (بیرجند-۱) (قم-۱) (مازندران-۱۹) (یاسوج-۴)
	برگزاری جلسات مخفی علما در مخالفت با قوانین غیراسلامی	(مشهد-۲۴)
	تلاش فرهنگیان برای آگاهی دادن به مردم	(هرمزگان-۴)
	اعتراضات علما و روحانیون به اصول انقلاب سفید و عدم اسقبال مردم از رفراندوم	(قم-۲)
	مخالفت علمای شهرهای مختلف با تصویب اصول ششگانه انقلاب سفید تحت تأثیر تأکیدات امام به دلیل تقلیدی بودن آن از غرب	(شیراز-۹) (تبریز-۵) (گیلان-۸) (کرج-۶) (مشهد-۲۷) (کرمان-) (۷) (مشهد-۲۸) (قزوین-۵) (قم-۳) (لرستان-۲۹)
	برگزاری جلسات	(گیلان-۹) (ارومیه-)

		هماهنگی روحانیون	(۱۰)
		مخالفت علما با سیاست‌های آزادی‌های غیرشرعی و تحت تأثیر بیگانگان	(مشهد-۳۰)
		فاجعه فیضیه و اعتراض شدید علما به عنوان عامل شناخت اولیه اقشار مختلف با مواضع امام	(قم-۵) (تبریز-۶) (همدان-۱۹) (شیراز-) (۱۱) (گیلان-۱۱) (کرمان-۸) (کرج-۷) (اصفهان-۱۱) (کرمانشاه-۱۳) (شهرری-۱۱) (ارومیه-) (۱۱) (شیراز) (اردبیل-) (۱۳) (مشهد-۳۱)
		اعتراض گسترده مردم نواحی نسبت به دستگیری امام و واقعه ۱۵ خرداد	(همدان-۲۲) (شیراز-) (۱۳) (اردبیل-۱۴) (کرمانشاه-۱۵) (شهرری-۱۳) (ایلام-) (۱) (قزوین-۶) (کرمان-۱۲)

	همراهی نسبی گروه های معارض با روحانیون نواحی در مخالفت با سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی و فرهنگی دولت تحت تأثیر نفوذ خارجی	همراهی اقشار مختلف با علما و امام در مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی	(اصفهان-۸) (کرج-۵) (مشهد-۲۵) (گیلان-۷)
		عدم همراهی با امام در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به دلیل عدم شناخت یا نفوذ ساواک	(ارومیه-۹) (یزد-۱۱) (هرمزگان-۳)
		نارضایتی مردم از ادامه اصلاحات ارضی و همراهی علما	(گیلان-۱۰)
		استقبال کم مردم از رفراندوم تحت تأثیر تبلیغات روحانیون محلی	(اصفهان-۹) (هرمزگان-۵) (شهری-۱۰) (کرمانشاه-۱۲)
		تلاش شاه برای تضعیف روحانیت	(قم-۶)
		دستگیری روحانیون ناراضی	(همدان-۲۱)

ابتدای سال ۱۳۴۴ تا پایان دهه ۱۳۴۰

مقولات نهایی	مقولات ۲	مقولات ۱	دسته‌بندی کدها
تبیین و تبلیغ هویت جنبش انقلابی بر مبنای اسلام سیاسی	تبیین هویت دینی جنبش از سوی امام خمینی و هم‌زمان و در سطحی	توزیع اعلامیه و درس‌های ولایت فقیه امام در تبیین اندیشه حکومت سیاسی در زمان تبعید	(قم-۲)
	پایین‌تر از سوی دکتر شریعتی	حمایت امام و انقلابیون از فلسطین	(همدان-۳۳) تبریز- (۱۹) (گیلان-۱۵)
	تلاش علما و روحانیون ای ناحیه برای ارتباط و تبلیغ لزوم حرکت	آغاز فعالیت روشنفکران مذهبی (دکتر شریعتی) در تقویت اندیشه اسلامی در دانشگاه	(مشهد-۴۰)
		تلاش روحانیون برای تبلیغ مرجعیت امام پس از آیت‌الله حکیم‌رحلت	(زنجان-۱۴) (همدان- ۳۶) (تبریز-۲۳) (اردبیل-۱۹) (مشهد- ۴۳) (کرمانشاه-۲۵) (قزوین-۱۳) (قم-۲۷) (قزوین-۱۷) (بیرجند-)

اعتراضی مستمر بر مبنای خطوط ترسیم شده از جانب امام خمینی	(۱۱)	
	(اهواز-۱۱) (زنجان- (۶	تصمیمات مخفیانه روحانیون پس از تبعید امام
	(تبریز-۱۸) (اردبیل- (۲۵) (بوشهر-۲) (اهواز-۱۰) (همدان- (۲۹) (بجنورد-۱۷) (مرکزی-۴) (اهواز- (۱۲	حفظ ارتباطات پنهان میان انقلابیون در کنار فعالیت‌های فرهنگی
	(همدان-۲۸) (بجنورد-۱۶) (گیلان- (۱۴) (کرمانشاه-۲۶) (هرمزگان-۸) (سمنان-۸) (قزوین- (۱۹) (گرگان-۱۹) (بیرجند-۵) (مازندران-۲۹) (کرج- (۱۳) (شهرری-۲۳)	عدم شرکت روحانیون و بعضاً مردم در مراسمات شاهنشاهی به دلیل مخارج بالا، بی‌بندوباری فرهنگی با هدف تلاش برای کاهش هویت و مشروعیت پهلوی
تلاش	(اردبیل-۱۸) (یزد-)	تلاش برای تقویت

گسترده روحانیون برای انجام اقدامات تربیتی، تبلیغی و آگاهی‌بخشی و نفی هویت شاهنشاهی	حوزه‌های علمیه در راستای تربیت طلاب دینی با هدف مقابله با تبلیغات ضددینی دولت	(۱۷) (لرستان-۳۳) (سمنان-۱۸) (بیرجند- (۱۰) (قزوین-۱۱) (مازندران-۳۲) (گرگان-۲۲) (کرمانشاه-۹) (ارومیه-۱۴)
	فعالیت‌های مذهبی منسجم تبیینی در قالب جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه در جهت آگاه‌سازی و جذب و تربیت تحصیل‌کردگان و جوانان و گسترش ارتباطات بین کنشگران اجتماعی در راستای کادرسازی مبارزات	(زنجان-۱۵) (شیراز- (۲۰) (سمنان-۵) (اهواز-۱۳) (اردبیل- (۲۴) (مشهد-۳۹) (یزد-۱۳) (زاهدان-۱) (تبریز-۱۶) (کرمان- (۱۹) (مازندران-۳۴) (ارومیه-۱۵) (سمنان- (۶) (بوشهر-۴) (گرگان-۲۰) (زاهدان-۱) (گرگان- (۲۴)
	فعالیت‌های تبلیغی مذهبی در قالب سخنرانی در	(زنجان-۱۶) (همدان- (۲۷) (بجنورد-۱۵)

		مساجد و هیئت‌های مذهبی، برای آگاه‌سازی مردم	(شیراز-۱۶) (گیلان-۲۴) (یزد) (کرمانشاه-۲۴) (هرمزگان-۱) (شهرری-۱۵) (مرکزی-۹) (بیرجند-۹) (مازندران-۳۱) (مازندران-۳۵)
		سخنرانی‌های انتقادی روحانیون در راستای تبلیغات بر ضد حکومت پهلوی و آگاه‌سازی تدریجی مردم و گرم نگه‌داشتن مبارزات	(لرستان-۳۵) (قزوین-۱۲) (بیرجند-۳) (مازندران-۳۳) (ارومیه-۱۷) (گرگان-۲۱) (قم-۲۶) (اردبیل-۲۰) (کرمانشاه-۲۱) (سمنان-۴)
		فعالیت‌های تربیتی و تعمیق آموزه‌های دینی در قالب برخی کانون‌های دینی غیر سیاسی (انجمن حجتیه) که ناخواسته موجب تربیت تعدادی از	(همدان-۴۷) (بجنورد-۲۶) (گیلان-۲۶) (کرج-۱۰) (ارومیه-۱۸) (سمنان-۹) (گرگان-۲۳) (مازندران-۳۸)

روند فراگیر شدن هویت انقلاب اسلامی ایران در مسیر پیروزی از منظر پژوهش‌های تاریخ محلی..... ۳۳

		حوانان برای ورود به عرصه مبارزات شد	(زاهدان-۱۶)
	تلاش دولت برای جلوگیری از ادامه	تلاش تبلیغاتی رژیم برای جذب جوانان و زنان در جشن‌ها و برنامه‌های شاهنشاهی	(مازندران-۲۶)
	اعتراضات با فشار به روحانیون معارض و اقدامات مختلف جهت ترمیم مشروعیت حکومت	ایجاد محدودیت و فشار بر علمای معترض	(همدان-۳۴) (مازندران-۳۶) (قم-) (۲۴) (اصفهان-۲۴)
		گسترش دستگیری و تبعید فعالان مذهبی از دهه ۵۰	(قزوین-۱۸) (کرمانشاه-۲۸) (هرمزگان-۶) (سمنان-۱۹) (بیرجند-) (۷) (قم-۳۷) (لرستان-) (۳۸) (تبریز-۳۴)

ابتدای دهه ۱۳۵۰ تا پایان سال ۱۳۵۵

دسته‌بندی کدها	مقولات ۱	مقولات ۲	مقولات نهایی
----------------	----------	----------	-----------------

گسترش دامنه هویت اسلامی جنبش انقلابی در سراسر کشور	گسترش دامنه هویت اسلامی جنبش در نقاط مختلف کشور	انتقاد امام و در پی آن روحانیت و فرهنگیان و پس آن اعتراض مردم به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله به دلیل مخارج بالای آن و ترویج ابتذال	(تبریز-۲۴) (گیلان- ۱۹) (مشهد-۴۴) (یزد- ۱۶) (بیرجند-۸) (قم- ۳۰) (زاهدان-۸) (شیراز-۱۶) (اردبیل- ۲۲) (قزوین-۱۶)
		نقش مبارزین تبعیدی در آگاه‌سازی مردم برخی از مناطق که دیرتر به روند جنبش انقلابی پیوستند	(کرمان-۱۵) (اردبیل- ۲۱) (کرمانشاه-۲۹) (کردستان-۱۳) (هرمزگان-۷) (ایلام- ۲) (گرگان-۲۸) (زاهدان-۵)
		اعزام طلاب و وعاظ به روستاهای برای آشنایی آنها با امام و نهضت	(گیلان-۱۷) (مشهد- ۴۲) (لرستان-۳۶) (بیرجند-۶)
		نقش سخنرانان و وعاظ در آگاهی مردم	(سمنان-۱۷) (بوشهر- ۱۱) (بجنورد-۱۸) (شهر کرد-۷) (لرستان-۴۱)
		افزایش سخنرانی‌های	(تبریز-۲۱) (اصفهان-)

		اعتراضی روحانیون نسبت به عملکرد دولت	(۲۷) (هرمزگان-۹) (شهرری-۳۰) (لرستان-۴۳) (سمنان-) (۱۴) (مرکزی-۱۱)
		تشدید سخنرانی‌های انقلابی علما	(زنجان-۱۷) (اردبیل-) (۲۷) (اصفهان-۳۱)
		انتقاد امام و روحانیون نسبت به عملکرد حزب رستائیز به دلیل عدم توجه به مسائل مردم	(یزد-۱۸) (تبریز-۲۹) (شهر کرد-۳) (کرمانشاه-۲۷) (مازندران-۲۷) (گیلان-۲۲) (همدان-) (۴۸)
شکل‌گیری انسجام بیشتر در بین روحانیون انقلابی		انتقاد علمای محلی نسبت به سیاست‌های فرهنگی پهلوی و غربی‌سازی جامعه	(بیرجند-۱۳) (زنجان-) (۱۳) (شیراز-۱۵) (گیلان-۲۰) (مشهد-) (۴۶) (یزد-۱۵) (ایلام-) (۵) (مشهد-۴۱)
		سیاسی و منسجم شدن تدریجی جلسات و سخنرانی‌های آگاهی‌بخش	(بجنورد-۲۴) (کرج-) (۹) (یزد-۲۰) (کردستان-۱۲) (ایلام-)

		روحانیون	(۳) (لرستان-۳۷) (شهرری-۱۹) (سمنان-۱۰) (قزوین-) (۱۴) (گرگان-۲۶) (مازندران-۴۰) (زاهدان-۳۶) (مرکزی-۱۲)
		گسترش ارتباطات بین نیروهای انقلابی	(اردبیل-۲۶) (همدان-) (۴۴)
	گسترش هویت اسلامی در بین مبارزین از جمله دانشجویان و فرهنگیان تحت تأثیر فرایند آگاهی بخشی روحانیت	تربیت نسل جوان مسلمان انقلابی از درون جلسات و مجالس مذهبی و دینی	(اصفهان-۳۰) (هرمزگان-۱۰) (قزوین-۲۱)
		نقش روشنفکران دینی در آگاه سازی سیاسی	(بجنورد-۲۵) (شهرکرد-۸) (قزوین-۲۰) (گرگان-۲۷) (یاسوج-۱۱) (شهرکرد-۲) (شهرری-۲۱)
		سیاسی شدن تدریجی	(تبریز-۲۰) (اهواز-)

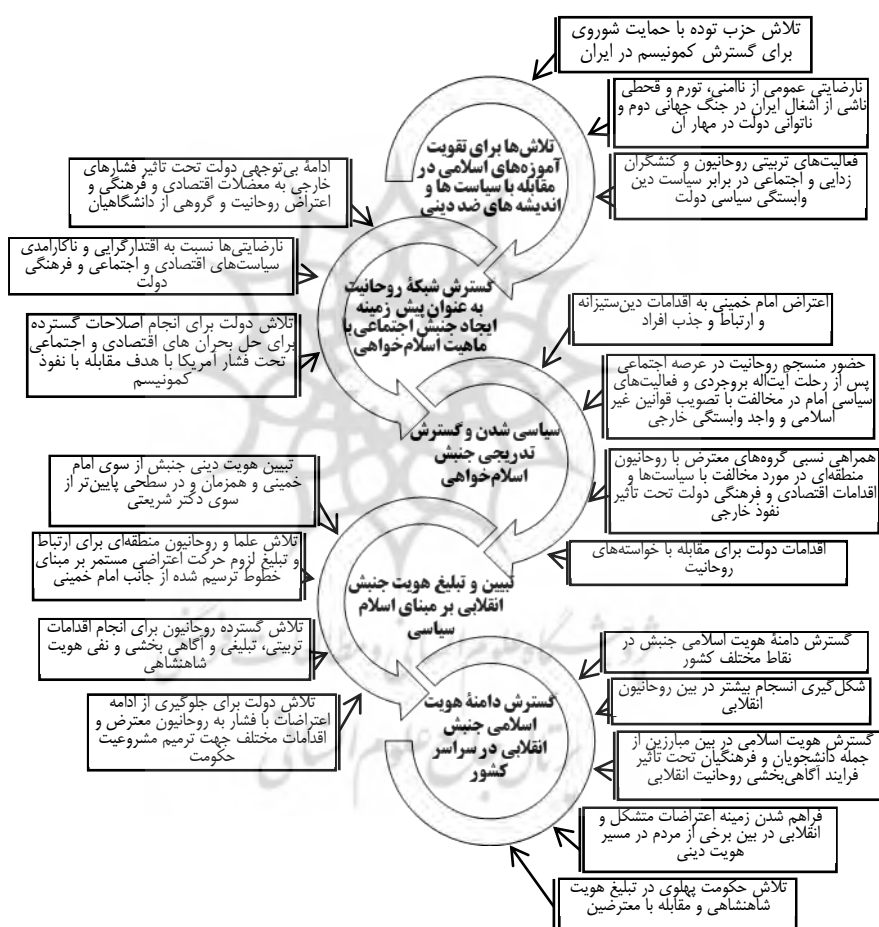
	انقلابی	فعالیت‌های دانشجویی	(۱۴) (کرج-۱۲) (ارومیه-۱۹) (مرکزی-۶) (سمنان-) (۱۳)
		شکل‌گیری مشی مبارزاتی اسلامی در کنار مشی مارکسیستی در دانشگاه تحت تأثیر اندیشه‌های دکتر شریعتی و تسری تدریجی اعتراض دانشجویی با ماهیت اسلامی به سطح خیابان‌ها	(تبریز-۲۸) (اهواز-) (۱۶) (گیلان-۲۸) (کرمان-۲۱) (مشهد-) (۴۷) (مرکزی-۱۴) (مازندران-۴۵) (تبریز-۳۵)
			(تبریز-۳۰) (مرکزی-) (۱۶)
		نقش فرهنگیان در تربیت دانش‌آموزان انقلابی و روند آگاه‌سازی	(سمنان-۱۲) (بوشهر-) (۳) (مازندران-۴۱)
		سیاسی‌شدن اقدامات فرهنگیان در مسیر اعتراضات	(همدان-۴۲) (مازندران-۴۳) (یاسوج-۱۴)
		گسترش اعتراضات	(تبریز-۲۳) (اصفهان-)
	فراهم شدن		

زمینه اعتراضات متشکل و انقلابی در بین برخی از مردم در مسیر هویت دینی	عمومی به دلیل عدم وجود	(۲۵) (کرمان-۱۸)
	کانال ارتباطی به منظور	(ایلام-۴) (بجنورد-)
	بیان نارضایتی‌ها و عدم	(۲۸) (شهرری-۲۲)
	توجه مقامات دولتی	(کردستان-۱۱)
تلاش حکومت پهلوی در تبلیغ هویت شاهنشاهی و مقابله با معترضین	نسبت به مسائل و	(زاهدان-۷) (بیرجند-)
	مشکلات مردم در نواحی	(۱۷) (یاسوج-۹)
	مختلف کشور	(یاسوج-۱۳) (بیرجند-)
		(۱۲)
	سیاست‌های دولت در	(شیراز-۱۷)
	دانشگاه‌ها در راستای تبلیغ	(مرکزی-۸) (همدان-)
	هویت شاهنشاهی و	(۴۰) (شهرری-۲۰)
	لیبرالی و فراماسونری	
	تلاش حکومت پهلوی	(کرج-۱۴) (شهر)
	برای جذب اقشار مختلف	(کرد-۴)
	در جشن‌ها و احزاب دولتی	
		(تبریز-۳۱) (اصفهان-)
	تلاش برای ایجاد اختلاف،	(۲۸) (کرمانشاه-۲۰)
	محدودیت برای انقلابیون	(مرکزی-۷) (سمنان-)
		(۷)
	فشار رژیم بر ضد علمای	(لرستان-۴۴)

	نواحی	
--	-------	--

جدول ۱- کدها و مقولات نهایی

در گام ششم نیز مجموعه یافته‌های پژوهش (مقولات کلی استخراج شده)، در قالب الگویی منسجم، به منزله چارچوب مفهومی پژوهش (شکل ۲)، ارائه شده است.



شکل ۲- الگوی تحلیلی منتج از یافته پژوهش

۴- تجزیه و تحلیل تفصیلی یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از فرایند فراترکیب یافته‌های پژوهش‌های منتخب، بیانگر این بوده است که طی سال‌های آغازین دهه ۱۳۲۰ تا اواسط دهه ۱۳۵۰ به تدریج تحت‌تأثیر مراحل پنج‌گانه اشاره‌شده در الگوی منتج از یافته پژوهش، مجموعه اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی موجود در عرصه اجتماعی، به تدریج هویت دینی و اسلامی پیدا کردند و این هویت در گستره جغرافیایی ایران انتشار یافت که در ادامه هر یک به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- تلاش‌ها برای تقویت آموزه‌های اسلامی در مقابله با سیاست‌ها و اندیشه‌های

ضددینی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سال‌های دهه ۱۳۲۰ را می‌توان رقابت فکری بین ایدئولوژی‌های سیاسی و فلسفی آن زمان یعنی مارکسیسم، لیبرالیسم، ناسیونالیسم و اسلام‌گرایی دانست. کنشگران اجتماعی و سیاسی، الگوهای کنشگری خود را از منظر چارچوب‌های ترسیم‌شده توسط ایدئولوژی‌های سیاسی فوق پیگیری می‌کردند. ایدئولوژی مارکسیستی به دلیل اشغال مناطق شمالی ایران توسط شوروی بیشتر در این مناطق و سپس در سراسر ایران در قالب فعالیت‌های حزب توده، تشکل‌های کارگری و احزاب دموکرات کردستان و آذربایجان، گسترش پیدا کرد. ایدئولوژی لیبرالیستی نیز که زمینه‌های آن از دوران انقلاب مشروطه شکل گرفته و در زمان رضاشاه بیشتر جنبه تکنوکراتیک پیدا کرده بود، در این دوره مجدداً در قالب برخی گروه‌های سیاسی وابسته تقویت گردید که نتیجه آن در گسترش تفکرات فراماسونی در مناطق مختلف کشور، نمایان شد. اما مسیر دیگر فعالیت‌ها و کنشگری‌های اجتماعی در این مقطع، عمدتاً تحت‌تأثیر آثار اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، دخالت خوانین و طوایف در مقتضیات محلی، دخالت‌های آمریکا به بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران و گسترش کنشگری معطوف به استقلال‌خواهی

و نهضت ملی صنعت نفت بود. پایان جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام دوقطبی در نظام بین‌الملل، منجر به دور جدیدی از رقابت‌ها میان ایدئولوژی‌های کاپیتالیسم و کمونیسم و اصطلاحاً آغاز جنگ سرد بین دو قدرت بزرگ پیروز جنگ جهانی یعنی آمریکا و شوروی به منظور یارگیری در عرصه بین‌المللی شد. هم‌زمان در پی زوال رفتن قدرت امپراتوری انگلیس، زمینه برای نفوذ هر چه بیشتر آمریکا در کشورهای جهان سوم و جلوگیری از سقوط آنها به دامن کمونیسم و شکل‌گیری نهضت‌های آزادی‌بخش مهیا گردید (قرشی و جمیری، ۱۳۸۷: ۷۴). یکی از عوامل جهت‌گیری کنشگری‌ها تبعات حمله متفقین و ازجمله وخیم‌تر شدن موقعیت نابسامان اقتصادی کشور و تشدید مسئله قحطی در این سال‌ها بود. در مجموع هرج و مرج اقتصادی، تورم بالا، بیکاری، قحطی، چاپ بی‌رویه و بی‌پشتوانه اسکناس، احتکار و فساد کارکنان دولت، استفاده بی‌رویه از راه‌های ارتباطی، غارت بیش‌ازپیش نفت، خرید ارزان و اجباری مواد غذایی و کشاورزی از روستاییان و صدور آن برای جبهه‌های جنگ متفقین و درنهایت فروش کالاهای صنعتی و مصرفی خارجی به بهای گران ازجمله پیامدهای اقتصادی منفی اشغال نظامی ایران بود (مقصودی، ۱۳۸۶: ۳۳). در این مقطع از یک طرف شوروی با اشغال مناطق شمالی کشور از طریق اقداماتی از جمله دخالت در امور اجرایی منطقه، تشکیل حزب توده و حزب دموکرات کردستان و آذربایجان، به دنبال نفوذ بر مناطق مختلف ایران و خصوصاً تلاش برای کسب امتیاز نفت شمال بود. از سوی دیگر آمریکا نیز با حمایت‌های مختلف مالی، نظامی، امنیتی و مستشاری درصدد مقابله با نفوذ اندیشه‌های کمونیستی در ایران بود. در این بین تفکر ناسیونالیستی در مقابل اهداف استثماری و عملکرد چندین ساله ابرقدرت‌ها در ایران شکل گرفت که در قالب نهضت ملی نفت به رهبری کاشانی و مصدق، موضوع ملی‌شدن نفت ایران و جلوگیری از ادامه غارت منابع نفتی ایران توسط شرکت‌های انگلیسی، ادامه یافت.

البته این نهضت بلافاصله با واکنش قدرت‌های خارجی مانند انگلیس و آمریکا مواجه شد که از جمله فشارهای اقتصادی بر دولت مصدق و در نهایت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مهم‌ترین اقدامات در این راستا بودند. به همین دلیل اقتصاد ایران دومین بحران پس از پشت سر نهادن بحران‌های ناشی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم را در این برهه تجربه نمود. ابتدا انگلستان و سپس آمریکا، فرانسه و هلند، از طریق شرکت‌های فراملیتی، فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی گسترده‌ای را علیه ایران برای به‌شکست کشاندن نهضت ملی و مقابله با پیامدهای ناشی از ملی‌شدن صنعت نفت، طراحی و اجرا کردند (قنبری و صادقی، ۱۳۸۶: ۳۳).

تفکر مهم دیگری که خصوصاً طی سال‌های پس از پایان اشغال کشور تقویت و گسترش یافت، اندیشه اسلام‌گرایی بود. بر اساس یافته‌های این پژوهش با بررسی روشمند حدود چهل پژوهش تاریخ ناحیه‌ای انقلاب اسلامی، این تفکر در درجه اول در مقابله با سیاست‌های دین‌زدایی افراطی دوران رضاشاه و در درجه دوم در مواجهه با شکل‌گیری و تقویت ایدئولوژی‌ها و تفکرات ضد‌دینی، مارکسیستی و بهائیت شکل گرفت. این تفکر از طریق تقویت حوزه‌های علمیه، مجالس و محافل و مؤسسات تعلیم و تربیت مذهبی گسترش یافت و به تدریج به تربیت طیف گسترده‌ای از طلاب و جوانان متدین و مذهبی انجامید.

با توجه به سیاست‌های نوسازی دوره رضاشاه و تحول در نظام آموزشی سنتی و به دنبال آن تأسیس مدارس به سبک مدرن، بخشی از گروه‌های سنتی و مذهبی، نگاهی تردیدآمیز به این روند پیدا کردند. خصوصاً اینکه در مدارس جدید، تعلیم قرآن و شرعیات و دیگر علوم دینی آن‌چنان‌که قبلاً مرسوم بود، کنار گذاشته شد. این مسئله موجب گردید که در این دوره، یک تکاپوی علمی - مذهبی در میان متدینین به منظور مقابله با این پدیده، شکل بگیرد. خصوصاً پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و گسترش محدودیت‌ها در مبارزات

سیاسی، نیروهای معترض مذهبی، بیش‌ازپیش به سوی فعالیت‌های فرهنگی و خصوصاً آموزشی سوق پیدا کردند (حسینیان، ۱۳۸۷: ۵۱۲-۵۱۱). متدینین طی این سال‌ها، به دو کار عمده یعنی جدال با آثار سوء برجای‌مانده از مبارزه با مذهب در دوره رضاشاه و دوم مقابله و رویارویی با بی‌دینی خصوصاً در چهار جهت اصلی (مبارزه با کسروی، مبارزه برای حجاب، مبارزه با مارکسیسم و الحاد و مبارزه با بهائیان) پرداختند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۲-۲۷). در این سال‌ها از دو ناحیه یکی از طرف حوزه‌های علمیه که در دوران رضاشاه به‌شدت تضعیف شده بودند و همچنین از سوی برخی از متدینین روحانی و غیرروحانی سراسر کشور، از طریق ایجاد تشکلهای و مدارس مختلف مذهبی، تلاش‌هایی جهت ترویج دینداری و مبارزه با مظاهر بی‌دینی، آغاز شد. در این میان، تعدادی از دانشگاهیان و بازاری‌های مؤمن هم به منظور ایجاد شیوه‌های نو در تبلیغات دینی، دست به تأسیس انجمن‌ها و کانون‌های اسلامی زدند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۴). آیت‌الله بروجردی با رویکردی غیرسیاسی، اقداماتی در جهت نهادسازی و شبکه‌سازی روحانیت با مرکزیت حوزه علمیه قم صورت داد. حوزویان در این مقطع به‌قدرت با قدرت سیاسی مواجهه پیدا می‌کردند و اندک حضور در عرصه سیاست نیز بیشتر کنشگری در قالب ساختار موجود بود که حضور فعال آیت‌الله کاشانی و هواداران وی در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، نمونه آن بود.

هدف اصلی در حوزه‌های علمیه، تربیت طلاب و مبلغان دینی و در مؤسسات و مراکز دینی، جذب و تربیت جوانان، خصوصاً دانش‌آموزان و دانشجویان و آشنایی بیشتر آنها با تعالیم دینی بود. فعالیت مؤسسات و جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه نیز منجر به جذب، تربیت و رشد جوانان تحصیل‌کرده و عمدتاً دانشجویان و دانش‌آموزان و تعمیق تربیت دینی در بین آنها شد که در سال‌های بعد عهده‌دار کنشگری اجتماعی با هویت دینی شدند.

از دیگر فعالیت‌های روحانیون عمدتاً شامل وعاظ یا امامان جماعت، تشکیل جلسات و مراسم‌های مذهبی در قالب هیئت‌ها، مجالس عزاداری، جلسات قرائت قرآن و ادعیه بود. مراسم‌ها و سخنرانی‌های مناسبی در هیئت‌های مذهبی، حسینیه‌ها، تکیه‌ها و امامزاده‌ها موجب آشنایی و آگاهی بیشتر عموم مردم و سایر اقشار اجتماعی نسبت به آموزه‌های دینی شد. این مجالس محملی جهت آشناسازی با تعالیم دینی و با اوج‌گیری مبارزات از اواسط دهه ۱۳۵۰ محلی برای ارتباطات بین مخالفین و انقلابیون و انسجام بیشتر فعالیت‌های انقلابی گردید. بنابراین با وجودی که برنامه‌های مورد اشاره کاملاً جنبه فرهنگی و اعتقادی داشتند، اما جوانان تربیت‌شده در این مجالس خصوصاً طی سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در فعالیت‌های میدانی انقلابی ازجمله توزیع اعلامیه‌ها، دیوان‌نویسی، شرکت هدفمند و پیوسته در راهپیمایی‌های انقلابی و سایر اقدامات انقلابی فعال بودند.

۲-۴- گسترش حضور روحانیت در عرصه اجتماعی به‌عنوان پیش‌زمینه جنبش

اجتماعی با ماهیت اسلام‌خواهی

در این دوره مجموعه عوامل مختلفی دست‌به‌دست هم دادند تا حضور علما و نیروهای مذهبی را در روند اعتراضات بر ضد رژیم پهلوی تقویت نمایند که از جمله می‌توان به تلاش شاه برای تحکیم قدرت خود و تأسیس ساواک، کم‌رنگ‌شدن حضور ملی‌گرایان در عرصه اعتراضات، رحلت آیت‌الله بروجردی و خلأ مرجعیت، فشار آمریکا بر شاه برای انجام اصلاحاتی جهت مقابله با نفوذ کمونیسم در ایران، تقویت حضور کارشناسان اسرائیلی در عرصه‌های مختلف، سیاست مدرنیسم شاه، و... اشاره نمود.

به‌واسطه برنامه مدرنیزاسیون و اصلاحات فرهنگی محمدرضا پهلوی و همچنین گره‌خوردن مصالح کشور با منافع کشورهای بیگانه، خصوصاً پس از پایان دوره رضاشاه، عناصری از بیگانه‌ستیزی و استبدادستیزی در کنشگری حوزویان به‌طور نسبی جایگاه پررنگ‌تری پیدا کرد (شیخ‌فرشی، ۱۳۸۰: ۱۹۲). به‌تدریج پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دستگیری

سران نهضت ملی و بروز اختلافات درون‌گروهی بین آنها، تا سال‌های پیش از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، استراتژی مبارزین از ایدئولوژی ملی‌گرایانه به سمت ایدئولوژی اسلامی، تغییر جهت یافت (روحبخش، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۴). با چنین پیش‌زمینه‌ای به تدریج از اواخر دهه ۱۳۳۰ رهبری مبارزات و اعتراضات بر ضد سیاست‌ها و اقدامات رژیم پهلوی از نیروهای ملی‌گرا به گروه‌های مذهبی منتقل شد. با توجه به زمینه‌ها و ویژگی‌هایی که به منظور بازسازی و تقویت فرهنگ مذهبی هر چند به صورت محدود فراهم شده بود، رهبران مذهبی، نارضایتی خود را از اقدامات و آثار به‌جای‌مانده از سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی ضد‌مذهبی دوران رضاشاهی اعلام کردند. خواسته‌هایی از جمله پایان‌دادن به بی‌حجابی زنان و منع خرید و فروش مشروبات الکلی به یکی از مهم‌ترین موضوعات محافل و مجالس تبدیل شد.

در نتیجه چنین تلاش‌هایی نگاه برخی از حوزیان نسبت به موضوع تحول در جامعه تا حدودی دگرگون شد و بسیاری از روحانیون و طلبه‌های جوان تحت تأثیر این فضای بینشی و معرفتی، نگاهی نقادانه نسبت به حکومت پیدا کردند و نقش فعال‌تری برای خود در این عرصه نسبت به قبل تعریف نمودند (شیخ‌فرشی، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۹). بر این اساس، در نهاد حوزه، ظرفیت مطلوبی برای ایجاد تحرک معطوف به سیاست شکل گرفت (صباغ جدید، ۱۳۸۶: ۱۹۳) که نتیجه آن گسترش تدریجی اعلامیه‌های انقلابی از سوی اساتید و فضایی حوزه علمی در برابر رژیم پهلوی بود.

۳-۴- سیاسی‌شدن و گسترش تدریجی جنبش اسلام‌خواهی

به تدریج از ابتدای دهه ۱۳۴۰ تحت تأثیر عواملی چون بروز سرخوردگی نسبت به مبارزات ملی در پی کودتای ۲۸ مرداد و همچنین تغییر در مشی مبارزاتی بخش عمده‌ای از نیروهای مذهبی به دنبال رحلت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ با محوریت و هدایت روحانیت

انقلابی و رهبری امام خمینی، ماهیت اعتراضات از مشی ملی‌گرایانه به مشی اسلامی تغییر جهت پیدا کرد.

مجموعه سیاست‌های شاه در قالب نوسازی و یا شبه‌مدرنیسم، منجر به استبداد داخلی، زیر سؤال رفتن استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و گسترش مظاهر بی‌دینی، شده بود. از سوی دیگر طرح مسائلی همچون مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، به فراندوم گذاشتن اصول هفتگانه با عنوان انقلاب سفید و کاپیتولاسیون و در نتیجه نفوذ ایالات متحده و صهیونیست‌ها در امور داخلی و نهایتاً به خطر افتادن استقلال کشور، منجر به شکل‌گیری اعتراضاتی جدی از سوی علما و خصوصاً امام خمینی و نیروهای مذهبی بر ضد حکومت پهلوی گردید. مجموعه این عوامل سبب شد تا امام خمینی از اواسط سال ۱۳۴۱ به تدریج در جایگاه رهبری جنبش اسلامی با هدف مقابله با سیاست‌های تحمیلی از ناحیه آمریکا قرار گیرد.

پس از رحلت آیت‌الله بروجردی و گرایش نسبی حوزه‌های علمیه به مسائل اجتماعی و سیاسی و آغاز اعتراضات ارشادی امام خمینی نسبت به تصمیمات و سیاست‌های دولت، در واقع همان طلاب جوان تربیت‌شده در حوزه‌های علمیه و متدینین رشدیافته در جلسات مذهبی، در این مقطع در قامت کارگزاران جنبش اعتراضی و اصلاحی به رهبری امام خمینی و به بیانی هسته اولیه جنبش اصلاحی ظاهر شدند. بنابراین با آغاز سال ۱۳۴۲ به تدریج مخالفت‌ها و اعتراضات با رویکرد دینی، علنی‌تر شد. امام خمینی نیز به تدریج مواضع خود را نسبت به رژیم شاه، تندتر نمود. تا جایی که در این سال روند جنبش به مهم‌ترین نقطه عطف خود، یعنی قیام ۱۵ خرداد و تبعات پس از آن منتهی شد و سایر مبارزین خود را با دیدگاه‌ها و برنامه‌های مبارزاتی امام هماهنگ‌تر نمودند. در مسیر اعتراضات فزاینده امام در مقابل ساختار بسته سیاسی، بی‌توجهی به احکام اسلام و وابستگی خارجی، سیاست‌های فرهنگی و افزایش بی‌بندوباری و در پی آن دستگیری و تبعید ایشان

در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و آبان ۱۳۴۳، همراهی روحانیت معترض سایر نقاط کشور با اعتراضات امام خمینی بیش از پیش گردید و این امر در گسترش ارتباطات آنها با یکدیگر کمک شایانی نمود. به تدریج در این مقطع در جلسات مذهبی، ارتباطی مستمر میان مبارزان شکل گرفت. گسترش این ارتباطات از یک سو و همچنین تأکیدات امام بر انسجام هرچه بیشتر نیروهای پراکنده انقلابی، موجب تکوین جریان‌های متحد اسلامی گردید که خصوصاً از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، توانست نقش ویژه‌ای در فرایند پیش‌رونده جنبش ایفا نماید. با مطرح‌شدن مباحث اجتماعی در این جلسات، این ارتباطات که سابقه آن عمدتاً به مقطع قبل از مطرح‌شدن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی برمی‌گشت، تا سال ۱۳۴۳ گسترش یافت.

۴-۴- تبیین و تبلیغ هویت جنبش انقلابی بر مبنای اسلام سیاسی

تغییر جهت‌گیری مبارزات از مشی اعتراضی به انقلابی، معلول عوامل و زمینه‌های مختلفی بود. این زمینه‌ها که عمدتاً حاصل سیاست‌ها، برنامه‌ها، تصمیمات و عملکرد شاه و کارگزاران حکومتی رژیم پهلوی بوده، به تبعاتی از جمله افزایش دامنه اعتراضات و گسترش موج مخالفت‌ها منجر شده است. نقطه تلاقی این زمینه‌ها را می‌توان برنامه‌ها و سیاست‌های کلان رژیم پهلوی برپایه اصطلاحاً مدرن‌ساختن جامعه ایران با رویکرد غربی و تبعات آن و همچنین نوع مناسبات میان دو قطب شرق و غرب و جهت‌گیری‌های آنها در قبال مسائل ایران دانست. آنچه رژیم پهلوی اصطلاحاً با مدرن‌سازی و نوسازی جامعه ایران در سر داشت، مستلزم سیاست‌ها، تصمیمات و اقداماتی بود که جامعه ایران را به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اقتصادی، دستخوش دگرگونی‌های عمیقی می‌ساخت. دگرگونی‌هایی که بدون توجه به فرهنگ دینی و ملی و خواسته‌های عمومی مردم و بیشتر تحت نفوذ و منافع کشورهای خارجی شکل گرفته بود.

طی این سال‌ها حکومت پهلوی با سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود موجب اعتراض بسیاری از روحانیون و اقشار متدین جامعه شده بود. این در حالی بود که نه تنها به دلیل نبود انتخابات آزاد و احزاب مستقل، امکان انتقال خواسته‌ها و اعتراضات بر اساس سازوکارهای عادی وجود نداشت، بلکه کوچک‌ترین اعتراض نیز با واکنش شدید دولت ازجمله ایجاد محدودیت و فشار بر علمای معترض، گسترش دستگیری و تبعید فعالان مذهبی مواجه می‌شد. یکی از اقدامات امام و روحانیت هوادار ایشان، تلاش برای انکار هویت و مشروعیت نظام پهلوی بود. خصوصاً اینکه یکی از سیاست‌های دولت در کنار اقدامات ریشه‌ای و راهبردی ضددینی، برخی فعالیت‌های فریبکارانه و سطحی برای مذهبی جلوه‌دادن شاه و همچنین همراه کردن جوانان با هویت شاهنشاهی و غربی از جمله جذب جوانان و زنان در جشن‌ها و برنامه‌های شاهنشاهی از دهه ۱۳۵۰ بود. بدین‌منظور روحانیون ضمن انجام اقدامات تربیتی، تبلیغی و آگاهی‌بخشی و نفی هویت و مشروعیت شاهنشاهی، به دلایل مختلفی چون مخارج بالا و بی‌بندوباری فرهنگی در مراسم‌های فوق شرکت نمی‌کردند.

هم‌زمان با تحولات مورد اشاره، بین سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶، در شرایطی که امام خمینی از آبان ۱۳۴۳ به شهر نجف تبعید شده بود و بسیاری از نیروهای مذهبی اعم از حوزویان و بازاریان نیز در حبس و تبعید به سر می‌بردند، شرایط حاکم، مبارزین را وادار ساخت تا مجدداً به فعالیت‌های زیرزمینی و عمدتاً در قالب اقدامات فرهنگی و تربیتی البته این بار با رویکرد سیاسی، روی آورند. تلاش‌های تربیتی، فرهنگی و عقیدتی در این مقطع منجر به شکل‌گیری و تقویت ماهیت اعتراضات و هویت‌یابی جنبش انقلابی در سال‌های بعد گردید. مهم‌ترین اقدام در این راستا از سوی شخص امام خمینی در حوزه نجف، جهت تبیین ایدئولوژی مبارزات انقلابی انجام گرفت. امام در سلسله‌درس‌های خارج فقه خود در نجف در بهمن ۱۳۴۸ به موضوعات اعتقادی، معرفتی و ایدئولوژیک در قالب درس ولایت

فقیه پرداختند و از این طریق، ریشه‌های اعتقادی و سیاسی نظام جایگزین رژیم پهلوی را پایه‌گذاری نمودند. هم‌زمان گروهی از شاگردان امام، ترجمه، چاپ و تکثیر این درس را عهده‌دار شدند (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۰۷). امام خمینی با تألیف کتاب کشف‌الاسرار، تفسیر جدیدی از آموزه‌های اسلام ارائه داد و آن را دینی سیاسی و دارای الگوی حکومتی خاص معرفی کرد (قنبری، ۱۳۸۳: ۸۵). امام در کنار انتقاد از وضع موجود، به ارائه الگوی مطلوب و جامعه ایدئال دینی پرداخت و در واقع نقش یک ایدئولوگ را ایفا کرد. ایشان با تأکید بر اصولی همچون تفکیک‌ناپذیری دین از سیاست، وجوب کوشش برای استقرار حکومت اسلامی و زدودن رگه‌های عزلت‌گرایی و گوشه‌نشینی از اسلام و تأکید بر آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی و عدالت‌گرایی به عنوان مبانی حکومت اسلامی، تلاش کرد تصویری از اسلام به عنوان دینی سیاسی، مترقی، همه‌جانبه و کامل ارائه کند و آن را به عنوان ایدئولوژی برتر در مبارزه با رژیم پهلوی مطرح سازد (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۵۷-۲۵۸).

در کنار این اقدام، بخشی از روحانیت و طلبه‌های جوان، ساخت ایدئولوژیک ترسیم‌شده از سوی امام را مورد تبیین و تبلیغ قرار می‌دادند. مجموعه رهبران و کارگزاران انقلابی درصدد بودند مجموعه‌ای از افکار سیاسی که مسائل اساسی و جاری سازمان‌دهی سیاسی جامعه و رفتار اجتماعی را مورد خطاب قرار می‌داد، برای جامعه تبیین کنند. این مسائل عموماً با محوریت تعیین اهداف جامعه، نقش استعمار و دولت و حقوق مردم بود که در تبیین آن روحانیت انقلابی و وعاظ نقش ویژه‌ای ایفا می‌کردند (جوانمرد، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۱۳۷). در این میان روحانیت انقلابی و وعاظ در گرایش هیئت‌های مذهبی به مسائل سیاسی، نقش زیادی داشتند. اخبار و اطلاعات انقلابی در هیئت‌های مذهبی از طریق وعاظ و سخنرانان مذهبی به مردم منتقل می‌شد و آنها مردم را در جریان حوادث و وقایع مهم مملکتی و حتی جهان قرار می‌دادند (غفاری هاشجین، ۱۳۹۱: ۷۱-۶۹). درواقع وعاظ و روحانیون با استفاده از رسانه منبر، نوعی شبکه ارتباطی ایجاد کرده بودند که از لحاظ

جغرافیایی کل ایران را پوشش می‌داد. این رسانه در مکان‌های مختلف شهری و روستایی اعم از مساجد، حوزه‌های علمیه، تکایا، حسینیه‌ها، هیئت‌ها، بازارها، مدارس اسلامی و... مرکز و مأمّن مهمی برای جذب و جلب توده مردم مسلمان خواهان نهضت به حساب می‌آمد. (جعفرپور و حسین قزل‌ایاق، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

علاوه بر اقدامات فوق، یافته‌های این پژوهش خصوصاً در شهرهایی چون تبریز، اهواز، مشهد، و استان‌هایی مانند مازندران، گیلان و مرکزی نشان می‌دهد جریانی هم در بین روشنفکران دینی خصوصاً در قالب جلسات سخنرانی دکتر علی شریعتی در بین دانشگاهیان، با هدف تبیین هویت دینی مبارزات بر ضد پهلوی شکل گرفت. دکتر شریعتی در جلسات سخنرانی خود، ضمن اینکه جمعی از دانشگاهیان و دانشجویان را نسبت به مسائل سیاسی آگاه می‌نمود، در عین حال جوّ اعتراضات دانشگاه‌ها را از دهه ۱۳۵۰ که در اختیار گروه‌های چپ قرار داشت، به سمت رهبری گروه‌های اسلام‌گرا سوق داد. به همین دلیل طی این سال‌ها کنشگری اعتراضی دانشجویان و فرهنگیان در نقاط مختلف کشور از اعتراضات صنفی به مبارزات سیاسی ابتدا با مشی مارکسیستی و سپس با آموزه‌های دینی تحت تأثیر اندیشه‌های دینی متحول شد.

۴-۵- گسترش دامنه هویت اسلامی جنبش انقلابی در سراسر کشور

در این مرحله جهت‌گیری جنبش اجتماعی با ماهیت اصلاحی تحت تأثیر عواملی چون ادامه مواجهه نامتناسب ساختار سیاسی با خواسته‌های جنبش اصلاحی و تبعات منفی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مدرنیزاسیون و سیاست‌های نوسازی وابسته، ویژگی انقلابی پیدا کرد. علاوه بر اعتراضات رسوب‌شده از مرحله قبل، در این مرحله نیز وجود بی‌عدالتی‌های ترکیبی، بازسازی سیاست دین‌زدایی دوران رضاشاه، مخارج بالا و ترویج ابتدال در جشن‌های سلطنتی از جمله جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، عدم توجه احزاب دولتی (حزب رستاخیز) به مسائل مردم از جمله موضوعات اعتراض بود. از این مرحله رهبر انقلابی یعنی

شخص امام خمینی، به همراه کارگزاران انقلابی شامل شاگردان حوزوی ایشان و علمای تراز اول شهرها و کنشگران انقلابی شامل گروهی از متدینین بازاری، امامان جماعت و وعاظ و برخی از فرهنگیان و دانشگاهیان نقش ویژه‌ای ایفا کردند. از جمله مهم‌ترین اقدامات امام در دوران تبعید تلاش برای تعریف هویت، ایدئولوژی و ترسیم چشم‌اندازی مشخص برای جنبش بر مبنای اسلام سیاسی و نظریه ولایت فقیه بود. هم‌زمان کارگزاران انقلابی نیز از طریق سخنرانی‌های مناسبی و مذهبی و ارتباط با کنشگران اجتماعی به تبیین و تبلیغ هویت جنبش، آگاهی‌بخشی و جذب کنشگران به درون جنبش و همچنین انسجام‌بخشی اولیه پرداختند. علاوه بر این، کنشگران انقلابی شامل گروهی از وعاظ، فرهنگیان، دانشگاهیان و بازاریان تلاش داشتند در قالب جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه و یا سخنرانی در مساجد، هیئت‌ها و یا دانشگاه‌ها، ضمن معرفی امام خمینی به عنوان رهبر جنبش انقلابی، اقداماتی تبلیغی اولاً برای آگاه‌سازی عموم مردم نسبت به ماهیت جنبش و دوم نفی هویت و مشروعیت رژیم شاهنشاهی انجام دهند. از این زمان به بعد اهداف ترسیم‌شده برای انقلاب برپایه هویت و ایدئولوژی انقلاب، برای کارگزاران و کنشگران انقلابی تبیین می‌شد و آنها نیز تلاش می‌کردند بر مبنای جایگاه و نقش اجتماعی خود این اهداف را در بین کنشگران غیرانقلابی و عموم مردم منفعل، تبلیغ نمایند. مجموعه اقدامات فوق موجب گردید کنشگران جدیدی با حفظ نسبی انگیزه‌های اولیه، نسبت به همراهی با جنبش انقلابی با ماهیت اسلامی اقبال شوند. نکته مهم نگاه فراگیر این جنبش نسبت به خواسته‌ها و اولویت‌های اصلی در بدنه اجتماعی بود؛ چنان‌که بر اساس شواهد موجود و یافته‌های این پژوهش اغلب کنشگران با وجود وابستگی به سایر مشرب‌های فکری، به تدریج به جنبش انقلابی با رویکرد اسلامی اعتماد کردند. در این زمان هویت جنبش بر پایه اسلام سیاسی به عنوان یک هویت فراگیر و نه هویت انحصاری، تعریف شد تا کنشگران اجتماعی مردد و خارج از جنبش، با انگیزه‌ها و اهداف متفاوت بیشترین انطباق

و همپوشانی را با هویت و اهداف جنبش برقرار نمایند. به همین دلیل هم‌زمان در عرصه دانشگاهی نیز تلاش‌هایی از جانب روشنفکرانی چون دکتر شریعتی صورت گرفت و او نیز گونه‌ای از اسلام انقلابی، معترض و عدالت‌خواه را برای بخشی از کنش‌گران اجتماعی یعنی دانشجویان تبیین نمود که در گرایش جوانان از تفکرات چپ سوسیالیستی به اسلام سیاسی تأثیر زیادی داشت. علاوه بر زمینه‌های فوق، نوع مواجهه نظام سیاسی پهلوی نیز در جهت‌گیری جنبش اصلاحی به انقلابی، بسیار مؤثر بود. در واقع نظام سیاسی در این مقطع نه تنها همچنان بر سیاست‌های ترسیم‌شده از قبل خود که بدون کمترین توجهی به خواسته‌ها، انتقادات و اعتراضات اجتماعی، شکل گرفته بود، اصرار داشت؛ بلکه با انتقادات و اعتراضات موجود، برخورد امنیتی و انتظامی می‌کرد. در مجموع سیاست‌ها، برنامه‌ها، تصمیمات و عملکرد شاه و کارگزاران حکومتی رژیم پهلوی، تبعاتی داشت که بر دامنه اعتراضات و گسترش موج مخالفت‌ها تأثیرگذار بود. تحت تأثیر عوامل فوق به‌تدریج جنبش انقلابی رسماً با هدف تغییر ساختار سیاسی و با هویت، اهداف، رهبران و کارگزاران کم‌ویش تثبیت‌یافته و کنشگران در حال جذب، فعالیتی نه‌چندان آشکار را در قالب انتشار بیانیه، سخنرانی‌های آگاهی‌بخش، ترغیب مردم به عدم مشارکت در مناسبت‌های شاهنشاهی آغاز نمود. به‌تدریج رهبران و کارگزاران انقلابی در بیانیه‌های خود و سخنرانی‌هایی که اغلب در مناسبت‌های مذهبی صادر و ایراد می‌شد به بیان اهداف و خواسته‌های جنبش می‌پرداختند که برآیند همه آنها در استقلال‌خواهی، دموکراسی‌خواهی، عدالت‌خواهی و اسلام‌خواهی خلاصه می‌شد. تفاوت این خواسته‌ها در این مقطع با دوران انقلاب مشروطه یا دوران کوتاه نهضت ملی نفت، در هویت اسلامی آن بود. در واقع اسلام فقهاتی و باز شدن باب اجتهاد در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی در قالب نظریه ولایت فقیه، موضوعات سیاسی و حکومتی در حوزه کنشگری فقها تعریف شد. در این زمان در برابر ایدئولوژی‌هایی چون لیبرالیسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم و...، راه حل مشکلاتی که

برایند آنها در استقلال، دموکراسی و عدالت خلاصه می‌شد، از طریق حرکت در مسیر هویت و ایدئولوژی اسلام سیاسی دنبال شد. بنابراین مجموعه عوامل فوق موجب گردید اول اینکه جنبش اصلاحی به تدریج رویکرد انقلابی پیدا کند و با توجه به اینکه پایه‌گذار و تبیین‌کنندگان هویت جنبش، از منظر اسلام فقهاتی، به طرح موضوعات سیاسی و تبیین مشکلات و معضلات اجتماعی می‌پرداختند، این جنبش انقلابی، هویت اسلامی پیدا کرد.

نتیجه‌گیری

بررسی روند شکل‌گیری هویت انقلابی در مسیر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، نشان می‌دهد یک رابطه منظم و معنادار میان اندیشه و عمل انقلابی قابل تشخیص است. به بیان دیگر، رابطه‌ای چرخشی بین اندیشه و عمل انقلابی وجود داشته و هریک در مسیر شکل‌گیری و تطور بر روی هم تأثیر متقابل داشته‌اند. به عنوان نمونه به هر میزان در برابر عمل سیاسی محدودیت ایجاد می‌شد، کنشگران به سمت تبیین و شکوفایی اندیشه سیاسی حرکت می‌کردند و این امر خود، به عمل سیاسی تحول‌یافته می‌انجامید. از این رو انقلاب اسلامی را نیز می‌توان محصول این تعامل عمل و اندیشه تحلیل نمود. محدودکننده‌های عمل سیاسی در هر مقطع، منجر به شکوفایی اندیشه سیاسی و این نیز به عمل سیاسی جدیدی می‌انجامید. با چنین نگاهی مسیر شکل‌گیری هویت انقلاب اسلامی نیز چندان از این منطق دور نبوده است. اگر بخواهیم مسیر یاد شده را در پنج مرحله خلاصه نماییم، در مرحله اول از آغاز دهه ۱۳۲۰ با تقویت پایگاه‌های دینی، اندیشه اسلامی که در دوران پهلوی اول به شدت محدود شده بود مجدداً مجال برای فعالیت در کنار دیگر اندیشه‌های سوسیالیستی، لیبرالیستی و ناسیونالیستی پیدا کرد. در این مرحله هر یک از کنشگران سیاسی در روندها نقش متفاوتی ایفا می‌کردند. از اواخر دهه ۱۳۲۰ مجموعه فعالیت‌های اسلام‌گرایان و استقلال‌خواهان ناسیونالیست به جنبش و نهضت ملی‌شدن نفت منجر شد که این جنبش پس

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با دخالت‌های خارجی سرکوب شد. بنابراین عمل سیاسی ائتلافی فوق در مخالفت با دخالت بیگانگان، با وقوع کودتای ۲۸ مرداد، به محاق رفت و در پی آن مجدداً فعالیت‌های گروه‌های مذهبی برای تقویت معارف دینی طی این سال‌ها رونق یافت. در مرحله دوم که کنشگران سیاسی توسط رژیم کودتا تحت کنترل شدید قرار گرفته بودند، مجدداً حوزه‌های علمیه و جلسات دینی به تربیت دینی عموم مردم پرداختند. در شرایط به‌محاق رفتن و محدودیت عمل سیاسی، دولت پهلوی به تدریج اقداماتی را در تقویت هویت شاهنشاهی برگرفته از ترکیب هویت ناسیونالیستی و لیبرالیسم با حمایت آمریکا و در برابر هویت دینی و اندیشه‌های مارکسیستی مورد حمایت شوروی، آغاز نمود. در مرحله سوم این روند خصوصاً از آغاز دهه ۱۳۴۰ با رحلت آیات بروجردی و کاشانی به عنوان دو نماد اندیشه دینی و اندیشه بیگانه‌ستیزی، خصوصاً با تصویب قوانینی چون لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اصلاحات ارضی و انقلاب سفید، تشدید شد. در این زمان مجدداً کنشگران سیاسی خصوصاً مراجع دینی و در میان آنها به‌طور ویژه امام خمینی با بهره‌گیری از ظرفیت گسترش تربیت دینی در حوزه‌ها و مراکز دینی، به تدریج جنبش اسلام‌خواهی و در کنار آن بیگانه‌ستیزی را مطرح و تقویت کردند. تبلور این جنبش خصوصاً خود را در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نمایان ساخت که این مجموعه اعمال و کنشگری‌های سیاسی با محدودیت‌ها و سرکوب دولت پهلوی و خصوصاً پس از تبعید امام خمینی در آبان ۱۳۴۳ مجدداً در مسیر حرکت‌های پنهان قرار گرفت. از مرحله چهارم و پنجم که عمل سیاسی با محدودیت مواجه شد، مجدداً کنشگران به سمت فعالیت‌های فرهنگی و اندیشه‌ای گرایش یافتند. بنابراین به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۴۳ تا حدود ۱۳۵۶، فعالیت‌های گسترده فرهنگی و اندیشه‌ای در سطوح مختلف از جانب رهبران و کنشگران اصلی جنبش اسلام‌خواهی و بیگانه‌ستیزی مورد پیگیری قرار گرفت. خصوصاً امام خمینی طی سال‌های تبعید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، نسبت به طراحی اندیشه تحول‌خواه

دینی بر پایهٔ اسلام سیاسی یا اسلام فقه‌گرایانه اقدام کرد. در این اندیشهٔ تحول‌گرا تقریباً تمام جوانب یک جامعهٔ مطلوب بر مبنای اندیشهٔ دینی - شیعی ترسیم شده بود. در این اندیشه، حکومت اسلامی (بعداً جمهوری اسلامی) جایگزین نظام شاهنشاهی، عدالت‌خواهی دینی جایگزین اندیشهٔ سوسیالیستی، بیگانه‌ستیزی جایگزین اندیشهٔ ناسیونالیستی و جمهوریت و دموکراسی دینی جایگزین مشروطه‌خواهی شد. به همین دلیل در این مقطع برای جنبش انقلابی هویتی فراگیر ترسیم شد و به تدریج برخی اندیشه‌ها و گرایش‌های یادشده در محیط جغرافیای ایران، جهت‌گیری کنشگری انقلابی خود را در قالب جنبش انقلابی با هویت اسلامی پیش بردند. در خصوص گسترش و اشاعهٔ هویت انقلابی به اقصی نقاط کشور، رهبران انقلابی محلی و سایر کارگزاران اعم از حوزویان، دانشگاهیان، بازاریان و معلمان نقش ویژه‌ای ایفا کردند. مجموعهٔ این اجماع فکری خصوصاً تحت تأثیر تحولات سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید.

بنابراین در انقلاب اسلامی رهبران و کارگزاران انقلابی تلاش کردند در ابتدا جهت‌گیری بستر مذهبی و اعتقادی ترویج‌شده از دهه ۱۳۲۰ را که خصوصیت غیراجتماعی و سیاسی داشت به تدریج و خصوصاً از ابتدای دههٔ ۱۳۴۰، به سمت زمینه‌های سیاسی هدایت کنند. دوم اینکه کوشیدند شبه‌جنبش‌های اجتماعی بیگانه‌ستیزانه، استقلال‌طلبانه، عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه بازمانده از دوران انقلاب مشروطه و بازتولید شده در قالب نهضت ملی نفت در اواخر دههٔ ۱۳۲۰ با رویکرد غیردینی را به تدریج از سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، رنگ و بوی دینی و مذهبی و خصوصاً بر اساس آموزه‌ها و فرهنگ شیعی (غدیر، عاشورا و مهدویت) قرار دهند.

کتابنامه

الف) اسناد

- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ استان بوشهر، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ استان خراسان جنوبی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۱.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ استان سمنان، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۸.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ استان قزوین، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۷.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ استان هرمزگان، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۶.

ب) کتاب

- ایزدی، رجب و نیکبخت، رحیم، انقلاب اسلامی در اردبیل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.
- بهبودی، هدایت‌اله، تبریز در انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۳.
- بهرامی، روح‌الله، انقلاب اسلامی در کرمانشاه، ج ۱-۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- بیات، مسعود، انقلاب اسلامی در زنجان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- بیاتی، هادی، انقلاب اسلامی در استان مرکزی، ج ۱. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.
- پروان، بیژن و حسین پایدار، انقلاب اسلامی در بجنورد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
- پناهی، محمدحسین، نظریه‌های انقلاب؛ وقوع، فرایند و پیامدها، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
- توانانیا، مقداد و آقاجانی، حسین، روزشمار انقلاب اسلامی در قم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- جانستون، هنک، جنبش‌های اجتماعی چیست؟، ترجمه سعید کشاورزی و مریم کریمی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۸.
- جعفرپور، رشید و حسین قزل‌ایاق، ایمان، «نقش رسانه‌ی منبر در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی»،
- رهیافت انقلاب اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ش ۱۲.
- جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا
- پیروزی انقلاب اسلامی؛ سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، مؤسسه خانه کتاب، ۱۳۸۷.

روند فراگیر شدن هویت انقلاب اسلامی ایران در مسیر پیروزی از منظر پژوهش‌های تاریخ محلی..... ۵۷

- جلالی، غلامرضا، **انقلاب اسلامی در مشهد**، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴.
- جمعی از نویسندگان، **مشهد از مقاومت تا پیروزی؛ بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۱۳۴۱ - ۱۳۵۷**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.
- جنکینز، ریچارد، **هویت اجتماعی**، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، پردیس دانش، ۱۳۹۴.
- جوانمرد، احسان، **رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- حسینیان، روح‌الله، **انقلاب اسلامی، زمینه‌ها، چگونگی و چرایی**، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- حمانی، کامران، **انقلاب اسلامی در کردستان**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.
- دالوند، حمیدرضا، **انقلاب اسلامی در لرستان**، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
- دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو، **مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی**، ترجمه محمدعلی دلفروز، تهران، کویر، ۱۳۸۴.
- دورماگن، ژان - ایو و موشار، دانیل، **مبانی جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر آگه، ۱۳۹۷.
- دیتر آپ، کارل، **جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی**، ترجمه مجید عباسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۵.
- رشیدی، احمد و دیگران، **انقلاب اسلامی در استان مرکزی**، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.
- رفیعی وردنجانی، مریم، **انقلاب اسلامی در شهرکرد**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲.
- روح بخش، رحیم، **نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- سیاهپور، کشواد، **انقلاب اسلامی و مردم کهگیلویه و بویراحمد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ۱۳۸۲.
- سلیمانی زمانه، مراد، **شهر ری در انقلاب**، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۲.

شیخ‌فرشی، فرهاد، *تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

صابری، یاسر، *انقلاب اسلامی در مازندران*، ج ۲-۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.
صباغ جدید، جواد، *انقلاب اسلامی؛ جنبشی معطوف به ارزش*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

طاهری مقدم، محمد، *انقلاب اسلامی در ایلام*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.
عابدی اردکانی، محمد، *انقلاب اسلامی در یزد*، ج ۱-۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
عبداللهی‌نیا، علی، *انقلاب اسلامی در کرمان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.
علم، محمدرضا، *انقلاب اسلامی در اهواز*، ج ۱-۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
غفاری هاشجین، زاهد و دیگران، «نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی»، *دانش سیاسی*، س ۸، ش ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
فلاحی، اکبر، *محرم و انقلاب اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

فینفگلد کانت، دبورا، *پژوهش فراترکیب*، ترجمه وجیه‌الله قربانی‌زاده، تهران، عصر قلم، ۱۳۹۹.
قاسم‌پور، داود، *انقلاب اسلامی در ارومیه*، ج ۱-۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
قرشی، یوسف و محمد جمیری، «اصل چهار ترومن در ایران»، *فصلنامه تاریخ معاصر ایران*، س ۱۲، ش ۴۶، تابستان ۱۳۸۷.

قنبری، آیت، «نقش خواص و عوام در انقلاب اسلامی»، *مجله حصون*، ش ۲، زمستان، ۱۳۸۳.
قنبری، علی و صادقی، حسین، *تحولات اقتصادی ایران (۱)*، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
کرمی‌پور، حمید، *انقلاب اسلامی در کرج*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
مرادی، مسعود، *روند انقلاب اسلامی در سیستان و بلوچستان*، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۳.

مقصودی، مجتبی، *تحولات سیاسی - اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، تهران، روزنه، ۱۳۸۶، چ ۲.

روند فراگیر شدن هویت انقلاب اسلامی ایران در مسیر پیروزی از منظر پژوهش‌های تاریخ محلی..... ۵۹

مهرعلیزاده، مهدی، تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.

مؤمن، ابوالفتح، انقلاب اسلامی در همدان، ج ۱-۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

نجف‌زاده شوکی، قدیر، انقلاب اسلامی در گیلان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱.

نش، کیت، آلن اسکات، راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، ج ۱-۲، ترجمه قدیر نصیری و محمدعلی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۴.

نصیری طیبی، منصور، انقلاب اسلامی در شیراز، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

نوری، مصطفی و سرایلو، اشرف، انقلاب اسلامی در گرگان و دشت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

Sandelowski, Margarete, and Julie Barroso. (2006), Handbook for synthesizing qualitative research. Springer Publishing Company.

